وطن امروز

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز: مهرداد بذرپاش

مدیرمسوول: محمد آخوندی سردبیر: رضا شکیبایی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج) کوچه سعید، پلاک ۹

روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تحریریه: ۶۶۴۱۳۷۸۳

نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷ پیام‌گیر: ۶۶۴۱۳۹۴۲

سازمان آگهی‌ها: ۶۱۰۸۶۱۶۳

پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir

چاپ: شرکت رواق روشن مهر

افق

اذان ظهر:	۱۳:۰۶	غروب آفتاب:	۲۰:۲۳
اذان مغرب:	۲۰:۴۵	نیمه‌شب شرعی:	۰۰:۱۳
اذان صبح فردا:	۴:۰۲	طلوع آفتاب:	۵:۴۹

کلام نور

محبوب‌ترین بندگان در پیش خدا پرهیزگاران گمنامند.

پیامبر اعظم(ص)

وب

انتهای خریت!

■ داریوش سجادی ■

امروز خواهران محترمه «کارداشیان» مدل‌ها و نماد و اسوه‌هایی از منتهی‌الیه حماقت و بلاهت و بی‌شخصیتی و بی‌شعوری و بی‌سوادی ایضاً فاحشگی در «پلی بوی» افتخار دادند و در یکی از مراکز خرید «های کلاس» شهر ما (اسکاتسدیل) نزول اجلال فرموده و دست تفقد خود را بر سر رعایای دلشده و شیدایی خود کشیدند!

به همین منظور تینیجرهای شهرمان از نیمه‌شب گذشته پشت درهای بسته مرکز خرید بیتوته کردند تا برای ۵ بعدازظهر فردا توفیق آن را داشته باشند در مکان مناسب‌تری آن علیامخدرات را لمس و حظ کنند!!!

علی‌ایحال و به‌قول «دایی‌جان» آنچه حدی ندارد البته «خریت» است! یعنی در موقعیتی که در آن سوی دنیا وحوش و جانوران و گرازهایی از جنس داعش در حال دریدنند و جماعتی هم پا به پای ایشان و برای ایشان شیدایی و حیرانی و خونخواری می‌کنند، این سوی دنیا نیز کارداشیان‌هایی خود و جماعتی را مسخ خریت خود کرده‌اند! به عبارت دیگر، چه آن وحوشی که دست بیعت به «ابوبکر البغدادی» داده‌اند و چه این جوانکانی که Role Model ایشان «کارداشیان» شده، هر دو مهجورالعقلند.

در چشمان این دو (ابوبکر البغدادی و کارداشیان) به فطانت، تامل کنید، آنگاه در عمق آن چیزی جز حماقت و سفاهت نمی‌بینید!

یکی منفجر کننده بمب وحشت شده و این یکی منفجر کننده بمب شهوت! و هر دو قبل از آنکه دلشدگان خود را قربانی خریت خود کنند، خود قربانی سفاهت و دنائتی شده‌اند که ریشه در جهل و جمود و کبر و غرور و البته «خریت» دارد!

وبلاگ

حیثیت نظام را قربانی فتنه‌گران نکنید

حضرت یوسف علیه‌السلام چندین سال در زندان بود. وقتی خواب پادشاه مصر را تعبیر کرد و پادشاه دستور داد او را نزدش ببرند، حضرت یوسف به فرستاده پادشاه گفت: «ارجع الی ربک فسئله ما بال النسوه التی قطعن أیدیهن؛ بازگرد و از اربابت بپرس چه شد که زنان مصری، همه دست خود را بریدند؟» حضرت یوسف با اینکه قبلاً به واسطه شهادت یکی از اطرافیان زلیخا، بی‌گناهی‌اش برای عزیز مصر به اثبات رسیده بود با این حال بعد از گذشت سال‌ها از آن ماجرا به یادآوری آن اقدام کرد و تا وقتی زنان مصری به صورت علنی اعتراف نکردند، حاضر نشد از زندان خارج شود. این نکته قرآنی را خطاب به کسانی می‌گویم که هنوز هم وقتی اسم «فتنه» را می‌شنوند، موضع می‌گیرند و می‌گویند «اینقدر گذشته را یادآوری نکنید و از آن بگذرید و مساله را کش ندهید»؛ این افراد متوجه نیستند که بحث فتنه، بحث یک حزب و جناح و شخص نیست. علاوه بر خسارت‌های فراوان جانی و مالی که فتنه ۸۸ برای کشور به بار آورد، مهم‌تر از همه حیثیت نظام اسلامی بود که خدشه‌دار شد. در سال ۸۸ عده‌ای به دروغ، این نظام مقدس اسلامی را متهم به تقلب کردند و بعد بعضی از همین افراد در محافل خصوصی گفتند تقلبی صورت نگرفته بود. با برگزاری انتخابات ۹۲ و حراست مجدد نظام از آرای مردم و قبول رأی اکثریت حتی با اختلاف ۲۶۱ هزار رأی، حقانیت نظام بیش از پیش روشن و ظلمی که فتنه‌گران در سال ۸۸ روا داشتند نیز آشکارتر شد. اکنون حداقل کاری که سران فتنه و فتنه‌گران باید انجام دهند این است که به صورت علنی و با صدای رسا به ظلم بزرگی که در حق نظام اسلامی روا داشتند، اعتراف کنند. مگر این نظام، ارزان به دست آمده است که بخواهیم پای حیثیت آن نایستیم؟

حرف حساب

نتیجه مجازات‌نکردن سران حزب بعث و استفاده از آنها در ارکان دولت می‌شود فتنه داعش.

نتیجه استفاده از کسانی که در فتنه ۸۸ خیانت کردند در ارکان دولت چه می‌شود؟ ...

ته دیگ

۳۰۰۰۸۸

اینایی که در تاکسی رو باز میکنن وامیستن آخرین نفر سوار بشن، نمی‌دونم چیو اینقدر جدی گرفتن!

■■ قاب روز

عکس: Gettyimage

سفارت اکوادور در لندن – تجمع حامیان آسانژ بنیانگذار ویکی‌لیکس و اعتراض به سیاست سانسور انگلیس و آمریکا

■■ روزنه

حکایت ظریف، حکایت آقای کرباسچی است

■ علیرضا امیری ■

حکایت آقای ظریف، حکایت آقای کرباسچی است که در زمان شهرداری خود برای حل بودجه روز سازمان شهرداری، قوانین شهرسازی ایران را عوض کرد و هر چند بودجه خود را تامین کرد ولی تا ابد سیما و معماری شهری ایران را تغییر داد و مشکلات آن تصمیم برای شهر تهران و متعاقباً معماری ایران و محیط‌زیست ملت ایران برای نسل‌ها و حتی همیشه باقی خواهد ماند. حال نیز آقای ظریف و تحلیلگران همراه او در وزارت امور خارجه و سیاست خارجی کشور برای رسیدن به توافق و حل مساله بودجه دولت، مذاکرات را دارند به همان روش آقای کرباسچی یا آقای بهزاد نبوی در توافق الجزایر پیش می‌برند که ممکن است برای این چند سال مشکل حل شود یا تخفیف پیدا کند ولی برای ده‌ها سال و نسل‌ها ایران را دچار مشکلات عظیم سیاسی و استراتژیک می‌کند؛ بدون آنکه سود آنچنانی از آن برده باشیم.

بشدت باید نگران بود؛ امروز خبری خواندم درباره اظهارات آقای ظریف درباره امکان قانونی کردن فتوای منع‌استفاده از ساخت ابزار بازدارنده اتمی در مجلس در پاسخ به انتظار دادن تضمین کتبی و رسمی از طرف ایران به طرف غربی (و البته روسیه و چین!) در مذاکرات هسته‌ای که با نهایت تاسف می‌تواند ایران را به همان جایی برساند که آلمان و ژاپن را بعد از جنگ دوم جهانی رساند و تا همین الان آنها نمی‌توانند این قوانین را که حاصل شکست در جنگ و تحمیل آن از سوی دولت‌های پیروز بوده تغییر دهند؛ البته با ۲ تفاوت اساسی، اول اینکه اگر ژاپن و آلمان این قوانین را تصویب کردند به دلیل آغازگری جنگ توسط آنها و عقوبت اشغالگری آنها بوده ولی ایران در قیاس با آنها چه عمل خلافی انجام داده غیر از اینکه به دلیل وابستگی به درآمد نفتی و تحریم باید این قوانین را تصویب کند. دوم اینکه اگر ژاپن و آلمان قوانین ضد تولید سلاح هسته‌ای را تصویب کردند در ازای آن از حمایت تمام و کمال هسته‌ای، اقتصادی و تکنولوژیک آمریکا برخوردار شدند، ایران در برابر تصویب این قوانین چه چیزی عایدش خواهد شد؟ تقریبا هیچ! جز اینکه آقای ظریف و کادر وزارت امورخارجه بگویند ما ایران را از تحریم بیشتر نجات دادیم و حالا درآمد نفتی برای خرید کالاهای خارجی به سوی ایران بازخواهد گشت!

تا دیر نشده باید این راه را متوقف کرد اما منظور این نیست که مذاکرات را متوقف کرد، منظور این است که این روش را باید متوقف کرد. اگر ایران همه غنی‌سازی را در ایران به صورت داوطلبانه متوقف کند بسیار بهتر از آن است که هرگونه سند رسمی را چه در خارج و چه در داخل امضا و تصویب کند که حق ایران را درباره تولید ابزار بازدارنده اتمی یا میزان و حجم غنی‌سازی و چگونگی آن محدود کند بدون آنکه حتی مانند ژاپن یا آلمان یا حتی ترکیه به ازای آن کشور تضمین امنیتی یا حمایت اتمی و اقتصادی و سیاسی گرفته باشد.

به هر حال انتظار ندارم این یادداشت فرصت انتشار بیابد چون حتما نگران بودن در این یادداشت برای آینده کشور توسط دوستانی که فقط بازی‌های سیاسی را می‌بینند به دلواپس بودن ترجمه خواهد شد و حتما نویسنده متهم به همکاری با کاسبان تحریم. ولی به هر حال اگر محتویات این یادداشت را مطابق مصلحت دیدید، هرطور که صلاح دانستید به انعکاس آن اقدام بفرمایید. زمان بدی است که هر سخنی یا باید در طرفداری از خط‌مشی دولت‌های ۸ سال گذشته تعبیر شود یا در طرفداری از دولت کنونی!

منبع: سایت الف

■■ تیتر دو

پیامد تعلل وزیر ارتباطات چه خواهد بود

اشغال سایبری ایران؟!

ادامه از صفحه اول

این سازمان مهم علاوه بر واعظی بر مجموعه قابل‌توجهی از نخبگان ایرانی نیز سرمایه‌گذاری کرده است تا در آینده بتواند نظامات ملی ایرانیان را از درون متحول کند. کما اینکه فردی همچون دکتر واعظی براساس اسناد «تکذیب نشده» ویکی‌لیکس زمانی که معاون تحقیقات سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک بوده خدماتی نیز به رابط محلی سفارت آمریکا در ترکیه که خود را ذیل عنوان استاد دانشگاه ایشیک ترکیه به مرکز تحقیقات مجمع نزدیک کرده، ارائه می‌کرده است. رابط سفارت آمریکا با حمایت‌های بی‌دریغ افرادی چون واعظی چندین کارگاه «خصوصی» برای دیپلمات‌های وزارت امور خارجه با موضوع «جلب نظارت بین‌المللی بر نحوه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری» سال ۸۸ و تلاش برای پیاده ساختن مدل تحریک اقلیت‌ها برای به قدرت رساندن آنچه وی «پراگماتیست‌های طیف هاشمی» می‌خواند صورت می‌دهد. کار تا آنجا بالا می‌گیرد که کارشناسان ضدامنیتی اروپایی برای ورود به کشور به صورت مکرر توسط بولنت ارس، رابط محلی سفارت آمریکا در ترکیه به محمود واعظی متوسل می‌شوند! ما بر آن نیستیم که صحه بر اسناد ویکی لیکس بگذاریم؛ آنچه در این میان مهم است بازگشایی پرونده سیاسی و حتی امنیتی دکتر واعظی نیست بلکه بیان شگردهای سیستم هدایت نخبگان آمریکاست که با تکنیک‌های ساده «دیپلماسی عمومی» بر آینده ملت‌ها و دولت‌ها تاثیر می‌گذارند. واعظی اکنون به واسطه رای نمایندگان مردم ژنرال ما در حوزه خطرناک سایبر است. دیرکرد او در تثبیت مرزهای حاکمیت جمهوری اسلامی در فضای جهانی منجر به «اشغال» کشور در آینده نزدیک خواهد شد. آن زمان برای رهایی از انگ «مستعمره مجازی» دیگر محاکمه همه نخبگان فرامالی که به وظایف ملی خود در وقت مقتضی عمل نکرده‌اند نیز چاره‌ساز نخواهد بود.

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲

در یچه انعکاس پیام‌های شما از سراسر کشور

■■ سلام وطن

پیامک: ۳۰۰۰۸۸/ تلفن: ۶۶۴۱۳۹۴۲

■ اگر مسؤولان محترم می‌خواهند حادثه طبیعی سیل ـ که در ایران دیگر طبیعی محسوب نمی‌شود و به خاطر عامل انسانی یعنی برای قطع بی‌رویه و بدون کنتور درختان است ـ اینقدر رخ ندهد، یک بار برای همیشه دست کسانی که مافیای چوب هستند را قطع کنند تا این همه لطمات مالی و جانی به مردم استان‌های شمالی وارد نیاید. از رئیس محترم قوه‌قضائیه هم بابت صدور حکم ویژه برای این موضوع و انتخاب نماینده‌ای برای رسیدگی به کوتاهی‌های صورت گرفته، تشکر می‌کنیم.

سلیمی/ هادیان

■ متاسفانه بار دیگر زمین‌خواران فعال شده و با استفاده از نفوذ خود و خلأهای احتمالی قانونی به جان زمین‌های مرغوب در جاهای خوش آب و هوا افتاده‌اند. لطفاً مسؤولان محترم پیگیری کنند و نگذارند عده‌ای سودجو به تخریب زمین بپردازند.

وفایی

■ مسؤولان محترم تامین‌اجتماعی باید علاوه بر بازپس گرفتن طلب بازنشستگان از دولت، درصدد احداث بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های مجهز در همه نقاط کشور باشند.

تولا

■ وزیر محترم ارشاد، یک بار اگر ممکن است اساسنامه و قوانین وزارتخانه تحت امر خود را ملاحظه کند! احتمالاً ایشان نمی‌داند در موقعیت و موضع وزیر جمهوری اسلامی قرار گرفته و باید وزارت فرهنگ و ارشاد «اسلامی» را اداره کند و برای گسترش فرهنگ غنی اسلام و ایران تلاش کند.

فاتحی

■■ آنم آرزوست/ ۱۴۴

پاکی از آمیختگی

■ حجت‌الاسلام والمسلمین سید سعید لواسانی ■

انسان همواره گرفتار نفس و ظهورات و جلوه‌های آن است و تنها راه رهایی از این خطر بزرگ، مراقبت ویژه از خود است تا اجازه جلوه‌گری به نفس ندهد اما یکی از مراقبت‌های ویژه «اخلاص» است، یعنی تلاش کنیم همه کارهای خود را برای خدا انجام دهیم و به نفس در هیچ‌کاری اجازه جلوه‌گری ندهیم. آری! چنانچه به امام صادق علیه‌السلام منسوب است، یکی از اصول معامله با نفس «اخلاص» است. [مصباح الشریعه:۶] و آن به فرموده امام باقر علیه‌السلام برترین عبادت است: «أَفْضَلُ الْعِبَادَهِ الْإِخْلَاص» [تفسیر امام حسن عسکری علیه‌السلام: ۳۲۹] اما اخلاص درجه نهایت اخلاق الهی نیست، بلکه گامی محکم است برای رسیدن به درجات والای بندگی، زیرا کسی که اخلاص را در درون خود نهادینه کرده و درجات آن را پیموده، کم‌کم متوجه می‌شود اخلاص رنگی به او زده است که چهره او را عوض کرده است. به این معنی که پیشروی در درجات اخلاص، او را به مقامی از بندگی رسانده که می‌بیند که خودش گم شده است و دیگر نشانی از خود ندارد، یعنی وارد مقام فنا شده و سیر جدیدی را آغاز کرده که آن حرکت در مراحل فناست، تا جایی که به مقام «مخلَصین» می‌رسد. یا بگوییم خداوند او را در مقام بندگی خاص خودش برمی‌گزیند که شیطان در این مرحله راهی به او ندارد. «إِنَّ عِبادِی لَیْسَ لَکَ عَلَیْهِمْ سُلْطان» [اسراء: ۶۵] و شیطان هم به این امر تأکید کرده است: «قالَ رَبِّ بِما أَغْوَیْتَنِی لَأُزَیِّنَنَّ لَهُمْ فِی الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِیَنَّهُمْ أَجْمَعِینَ إِلَّا عِبادَکَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِین» [حجر: ۳۹ ـ ۴۰] «شیطان گفت: پروردگارا چون مرا از مقام قدس بیرون راندی، آنچه در زمین است، برای انسان‌ها زینت می‌دهم و همه آنان را گمراه می‌کنم؛ مگر از میان آنان بندگان تو که مخلَص هستند که من راهی به آنان ندارم.» ملاحظه می‌فرماید خداوند از بندگان خاص خود سخن می‌گوید و شیطان هم این بندگان حقیقی را «مخلَصین» می‌نامد. این افراد چه کسانی هستند؟ آنها کسانی هستند که خداوند برای خودش برگزیده و خالص‌شان کرده است: «إِنَّا أَخْلَصْناهُمْ بِخالِصَه ذِکْرَی الدَّار» [ص: ۴۶] آنان چون خود را برای خدا خالص کردند، ما هم آنان را خالص کردیم: «أَخْلَصْنَاهُم». معلوم است، نوعی آمیختگی در ما انسان‌هاست که تنها خدا می‌تواند آن را برطرف و ما را پاک و خالص کند. به‌نظر می‌رسد اما آمیختگی‌ای که انسان از آن گریزی ندارد، آمیختگی با خود است. خدا آنان را از خود خالص کرد. اما نکته ظریفی در این‌جا وجود دارد، این آیه در وصف پیامبران الهی علیهم‌السلام آمده است، آنان که از هواهای نفسانی رسته‌اند، وگرنه پیامبر نمی‌شدند. پس نباید تصور کرد، خودی که آنان از آن پاک شده‌اند، همین خودی است که در ما جلوه‌گری می‌کند و هر لحظه ما را به سمت جلوه‌ای از هواهای نفسانی می‌کشاند. آنچه آنان از آن خالص شده‌اند، جنبه یلی الخلقی آنان بود که دیگر هیچ توجهی به خود و غیرخود نداشتند و آنان به مقام وجه‌الله نائل آمدند. به تعبیر دیگر همه وجود آنان فانی شد و فقط وجه‌الله ماند: «کُلُّ شَیْءٍ هالِکٌ إِلَّا وَجْهَه» [قصص: ۸۸] آنان دیگر جزخدا را نمی‌دیدند و حقیقت را آنچنان که هست، مشاهده کردند.

قرآن می‌فرماید خدا منزه است که وصف شود: «سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا یَصِفُون» [صافات: ۱۶۰] دلیلش روشن است. زیرا مردم راهی به خدا ندارند و به این دلیل توان شناخت حق سبحانه را ندارند. اما بلافاصله استثنا می‌فرماید که بندگان من که «مخلَص» هستند، آنان می‌توانند خدا را وصف کنند: «إِلَّا عِبادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِین» [صافات: ۱۶۱] زیرا آنان در مقام فنا به جایی رسیدند که خود وجه‌الله شدند. چون خدا برای خود خالصشان گردانید، دیگر جز خدا را نمی‌شناسند. [تفسیر المیزان: ۱۷۴/۱۷] وقتی ما به این مقام برسیم، همواره در «برهان رب» غرق هستیم و گناه و بدی هم در ساحت ما راه ندارد. قرآن درباره مقام حضرت یوسف نقل می‌کند که او از بندگان مخلَص ما بود و وقتی همسر عزیز مصر به او پیشنهاد سفاهت داد، او از آن سرباز زد، چرا؟ زیرا «برهان پروردگارش» را می‌دید، یعنی او در شهود محض بود و اگر در این مقام نبود، حتماً پایش می‌لغزید. اما چون به مقام شهود تام رسیده بود و خودی نمی‌دید که گرفتار گناه شود، ما هم اجازه ندادیم که بدی و فحشا به ساحت او راه پیدا کند: «وَ لَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَ هَمَّ بِها لَوْ لا أَنْ رَأی بُرْهانَ رَبِّهِ کَذلِکَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَ الْفَحْشاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبادِنَا الْمُخْلَصِینَ» [یوسف: ۲۶] روشن است که این راه به سادگی پیموده نمی‌شود، راهی است سخت اما شدنی. اول باید مخلِص شویم و همه کارهایمان را از بند نفسانیت نجات بدهیم، تا کم‌کم خدا ما را به مقام مخلَصین راه دهد. مقدمه همه این امور «علم» است، دانشی که عمل خالصانه تنها با آن امکان دارد و آن علم اخلاق الهی است که علم توحید ناب در مقام عمل است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «عَلَیْکَ مِنَ الْعِلْمِ بِمَا لَا یَصِحُّ الْعَمَلُ إِلَّا بِهِ وَ هُوَ الْإِخْلَاص» [مصباح الشریعه: ۱۳] «برتو باد دانشی که عمل به غیر از آن درست نشود، و آن علم اخلاص است».

آب‌وهوا

اراک	۳۳ / ۲۰	زنجان	۳۵ / ۱۲
اردبیل	۲۲ / ۱۰	ساری	۳۳ / ۲۲
ارومیه	۲۹ / ۱۱	سمنان	۳۶ / ۲۵
اصفهان	۳۶ / ۲۱	سنندج	۳۴ / ۱۸
اهواز	۴۶ / ۲۸	شیراز	۳۸ / ۱۷
ایلام	۳۴ / ۱۸	شهرکرد	۳۲ / ۱۳
بجنورد	۳۱ / ۱۷	قزوین	۳۱ / ۱۸
بیرجند	۳۳ / ۱۷	قم	۳۹ / ۲۵
بندرعباس	۴۰ / ۲۸	کرج	۳۱ / ۱۸
بوشهر	۳۴ / ۲۸	کرمان	۳۷ / ۱۶
بوموسی	۳۳ / ۲۸	کرمانشاه	۳۵ / ۱۳
تبریز	۳۰ / ۱۶	گرگان	۳۴ / ۲۰
تهران	۳۲ / ۲۳	مشهد	۳۴ / ۱۹
خرم‌آباد	۳۷ / ۱۶	همدان	۳۰ / ۱۲
رشت	۲۸ / ۲۱	یاسوج	۳۰ / ۱۲
زاهدان	۳۵ / ۲۱	یزد	۳۸ / ۲۴

تقویم تاریخ

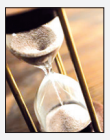

■ **رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر (۱۳۶۰ ش)**

پس از ماه‌ها درگیری بنی‌صدر و هوادارانش با نیروهای ارزشی و انقلابی، طرح عدم کفایت سیاسی رئیس‌جمهور در مجلس شورای اسلامی مطرح شد. مهم‌ترین دلایل بر عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر، موضع‌گیری وی علیه نظام جمهوری اسلامی و اتحاد نامقدس با همه نیروهای ضدانقلاب وابسته به شرق و غرب جهت نابودی نظام اسلامی و همچنین مخالفت مستمر وی با مجلس شورای اسلامی از بدو تأسیس و حتی پیش از افتتاح آن، دخالت صریح در قوه قضائیه و عدم درک صحیح از بدیهی‌ترین اصول قانون اساسی و نیز عدم اعتقاد به اصل تفکیک قوا عنوان شد. در نتیجه، این طرح با ۱۷۷ رأی موافق، ۱ رأی مخالف و ۱۲ رأی ممتنع به تصویب رسید و یک روز پس از تصویب طرح عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر، حضرت امام خمینی(ره)، وی را از ریاست‌جمهوری اسلامی ایران نیز عزل کردند. این در حالی بود که حضرت امام، پیش از این وی را در ۲۰ خرداد ۱۳۶۰ از فرماندهی کل قوا نیز عزل کرده بودند.

■ **شهادت سردار رشید اسلام دکتر مصطفی چمران در دهلاویه (۱۳۶۰ ش)**

دکتر مصطفی چمران در سال ۱۳۱۱ش در تهران به دنیا آمد. پس از پشت سرگذاشتن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، وارد دانشکده فنی دانشگاه تهران شد و پس از احراز رتبه اول دانشگاه، بورس تحصیلی در آمریکا را اخذ کرد. در آمریکا به تشکیل انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی و انتشار ماهنامه و فعالیت‌های متعدد ضدرژیم پهلوی پرداخت. دکتر چمران سپس راهی مصر شد و پس از گذراندن دوره نظامی چریکی، جهت یاری برادران لبنانی به آن کشور رفت. وی به مدت ۸ سال در آن دیار ماند و همگام با امام موسی صدر خدمات شایانی به ملت مظلوم آن سامان ارائه کرد. دکتر مصطفی چمران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از ۲۲ سال دوری از وطن به کشور بازگشت و معاونت نخست‌وزیری را برعهده گرفت. وی بعدها نماینده امام در شورای دفاع، وزیر دفاع و نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی شده و مشغول به خدمت شد. دکتر مصطفی چمران همچنین ستاد جنگ‌های نامنظم را در اهواز سازمان‌دهی کرد و ضربات متعددی بر پیکر ارتش متجاوز بعثی وارد کرد. حضور این سردار رشید اسلام در جبهه‌های نبرد و نیز فرونشاندن غائله پاوه و سرکوب عناصر ضدانقلاب در کردستان از جمله صفحات درخشان زندگی این شهید والامقام است. سرانجام این عارف و فرمانده سلحشور در حالی که چند روز قبل، منطقه عملیاتی دهلاویه را از لوث وجود دشمن بعثی پاک کرده بود، در آخر خرداد ۱۳۶۱ در این منطقه به دیدار معبود شتافت و پیکر پاکش در گلزار شهدای بهشت زهرا جای گرفت.

■ **رحلت عارف کامل و استاد بزرگ اخلاق میرزاجواد آقا ملکی تبریزی(ره) (۱۳۰۵ ش)**

آیت‌الله میرزاجواد آقا ملکی‌تبریزی در حدود اواخر نیمه اول قرن سیزدهم هجری شمسی در خانواده‌ای متدین در تبریز به دنیا آمد. وی پس از تحصیلات مقدمات و سطوح حوزه، برای تکمیل تحصیلات خود راهی نجف اشرف شد و در محضر عالمان نامداری همچون آخوند خراسانی و حاج‌آقارضا همدانی، فقه و اصول را آموخت و در حلقه درس حدیث محدث بزرگ، میرزاحسین نوری حاضر شد. میرزاجواد ملکی پس از چندی در محفل عارف سترگ، آخوند ملاحسینقلی همدانی قرار گرفت و پای در سیر و سلوک و عرفان و تهذیب نفس نهاد. وی در حدود سال ۱۲۸۰ش راهی قم شد و درس فقه، اخلاق و عرفان خود را برپا کرد که بزرگانی چون حضرات آیات عظام حاج‌آقا حسین فاطمی قمی، آخوند ملاعلی همدانی، سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، سید ابوالقاسم خویی، سیدرضا بهاءالدینی و حضرت امام خمینی(ره) در حلقه درس میرزاجواد جای گرفتند. همچنین برخی از کتب این سالک الی‌الله بدین قرار است: اسرار الصلاه، المراقبات و رساله لقاءالله و... . سرانجام مرغ جان آیت‌الله میرزاجواد ملکی‌تبریزی، این عارف کامل و عالم عامل و سالک واصل در ۳۱ خرداد ۱۳۰۵ ش برابر با ۱۱ ذیحجه ۱۳۴۴ ق از قفس تن رهایی یافت و پیکر مطهر وی پس از تشییعی باشکوه، در جوار حرم حضرت معصومه(س) در قبرستان شیخان قم، رخ در نقاب خاک کشید.